

موعودباوری به مثابه مبنایی جهان شمول در شکل‌گیری تمدن اسلامی (از منظر قرآن و کتب مقدس)



شریفه محمدی*

محمد جواد ذریه**

چکیده

موعودباوری یکی از باورهای مشترک در میان ادیان مختلف است. این باور، در تمام منابع ادیانی با اسامی و القاب خاصی ذکر شده و به طور کلی یک باور جهان شمول است. این موضوع در اسلام و در قالب آیاتی چند از قرآن کریم (آیات ۵ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۸۱ سوره اسراء، ۱۰۵ سوره انبیاء) و روایات متعدد، مورد تبیین و توجه قرار گرفته و او را وارث زمین و منجی عالم خوانده است. امروزه با رشد تکنولوژی و صنعت ارتباطات، بدون هدایت مبتنی بر ادیان الهی، شرایطی فراهم گردیده که رسالت اصیل پیامبران الهی که همانا شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است، در معرض تهدید جدی قرار گیرد. بی‌اخلاقی، بی‌عدالتی، رشد فاصله‌ی طبقاتی، بیهوشی و بی‌معنایی زندگی از جمله معضلات جوامع امروز بشری و از موانع اصلی در تحقق تمدن اصیل دینی و اسلامی است. در این راستا، موعودباوری دارای چنان ظرفیت و ویژگی‌هایی است که محور قرار دادن این اندیشه در رأس تعاملات اجتماعی، خود می‌تواند نقشی مهم به عنوان نرم‌افزار شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را ایفا نماید. در این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی این نتایج حاصل شد که اندیشه‌ی موعود باوری نقش مؤثری در حل مشکلات اقتصادی، آسیب‌های اخلاقی، بیهوشی و در رهنمون نمودن بشر به عدالت و عقل‌گرایی دارد که همه‌ی این نتایج دارای نسبتی معنادار در شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، کتب مقدس، موعود باوری، تمدن، منجی.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

صفحه ۴۶ تا صفحه ۶۳

*. طلبه سطح سه کلام اسلامی موسسه آموزش عالی حوزوی مجتهد امین اصفهان
mohammadi.sharifeh@gmail.com

** دکترای حکمت متعالیه و مدرس دانشگاه اصفهان
zorrieh.j57@gmail.com

۱. طرح مسئله

موعودباوری یا اندیشه‌ی ظهور منجی در آخرالزمان، همواره یکی از مباحث مهم و از دغدغه‌های محوری و مشترک ادیان مختلف جهان بوده است و در ادیان مختلف به فراخور نوع فرهنگ و ملیت، با تعبیر گوناگون از آن یاد شده است. تعبیری چون: «کالکی» در آیین هندو، «ماشیح یا مسیح» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت یا سوشیانس» در زرتشت و در نهایت، حضرت مهدی علیه السلام در اندیشه اسلامی. هر چند تعبیر موجود در ادیان مختلف، متنوع است، اما همگی از جهت معنا و مفهوم، بر ظهور یک منجی برای نجات انسان‌ها از ظلم و بی‌عدالتی و گشودن راهی حقیقی برای وصول به سعادت بشریت تأکید دارند.

امروزه در کنار بررسی مفهوم موعودگرایی که اندیشه‌ای جهان‌شمول است، با اصطلاحی دیگر نیز مواجهیم و آن، جهانی شدن (globalization) است. از اواخر سده‌ی بیستم، با انقلاب ارتباطات الکترونیکی در عرصه‌ی جهانی، مفهوم جهانی شدن در صدر اندیشه و تفکر بشری قرار گرفت. بدیهی است آگاهی از ابعاد مختلف فرایند جهانی شدن و اطلاع از الزامات آن برای هر جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است که بدون مواجهه‌ی هوشمندانه با آن، هر فرهنگ و نظام اجتماعی تحت سیطره و حاکمیت آن فرو می‌رود. چراکه جهانی شدن پدیده‌ای است که به سرعت در تمام ابعاد و زوایای زندگی بشری در حال نفوذ و گسترش است؛ به نحوی که می‌توان قلمرو اثرگذاری آن را به گستره‌ی تمامی ابعاد زیست اجتماعی انسان در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دانست. پیشرفت‌های فناوری و ظهور شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت و ماهواره‌های مخابراتی باعث شده تا این فرایند با سرعتی حیرت‌انگیز و با نمونه‌های متنوع‌تر بر زندگی جوامع انسانی اثرگذار گردد.

با وجود چنین شرایطی، این پرسش قابل طرح می‌باشد که جایگاه و کاربست موعودباوری در حوزه‌ی تمدن‌سازی چیست؟ موعودباوری در کلیت خود نیز اندیشه‌ای جهان‌شمول و فراگیر است و همه‌ی ادیان توحیدی و حتی غیر توحیدی بر آن اتفاق نظر دارند. بحث و بررسی پیرامون منجی موعود ادیان، از طرفی می‌تواند موجب هم‌گرایی ادیان بر محور منجی موعود گردد و از طرف دیگر با پررنگ کردن مباحثی چون: آرمان‌گرایی، امید، خودباوری و معنابخشی به حیات‌جمعی، از طریق باور به برقراری عدالت، زمینه‌سازی امنیت، پیشرفت علمی و... می‌تواند در شکل‌گیری تمدن نوینی بر



پایه‌ی دین کمک نماید.

در گستره‌ی متون دینی، ادیان ابراهیمی از جمله مکاتب صاحب‌نظر در این زمینه بوده که از جهات مختلف، حکومت منجی موعود را مورد توجه قرار داده‌اند. در آثار پدید آمده که به نوعی با موضوع این پژوهش مرتبط است، هر یک از نویسندگان به بررسی برخی از ابعاد آن پرداخته‌اند. از جمله‌ی این آثار می‌توان به مختصری از مقالات در حیطه‌ی منجی باوری اشاره کرد: «منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام» از مهین عرب (۱۳۹۳)، «حکومت واحد جهانی از منظر ادیان و اسلام» از روح الله شاکری زوارده‌ی (۱۳۸۹)، «موعودگرایی یهودیان و منجی‌گرایی مسیحیان» از سعید ملکی (۱۳۹۲)، «موعودباوری در ادیان ابراهیمی» از حسین ابراهیمی. در نسبت اندیشه‌ی مهدویت با حوزه‌ی تمدنی نیز می‌توان به این مقالات اشاره نمود: «باورداشت آموزه‌های مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی» از واسعی و عرفان که سعی داشته ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی آموزه‌ی مهدویت را بازشناساند. مقاله‌ی «تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی» از نجفی، فقیهی و دریس‌اوی نیز تلاش نموده تا با استفاده از داده‌های حدیثی، ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی که در آموزه‌ی مهدویت مطرح شده‌اند را بیان نماید.

مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی تحلیلی برآن است تا با بررسی مؤلفه‌های اصلی و مشترک موعودباوری و تمدن‌سازی، اندیشه‌ی موعود را به عنوان ظرفیت قابل توجهی و به عنوان مبنایی در جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی معرفی نماید.

۲. موعودباوری

موضوع موعود در بسیاری از ادیان و مذاهب دینی به عنوان یکی از عقاید مهم به حساب می‌آید. با این وجود، توجه و اهتمام ادیان به موعود، به ضعف و قوت آنان بستگی دارد. یهودیان پس از سقوط دولتشان و مسیحیان پیش از تشکیل دولتشان و در میان مسلمانان، شیعیان اثنی‌عشری که صاحب دولت نبوده‌اند از اهل سنت که دولت داشته‌اند، بیشتر منتظر موعود بوده‌اند. (توفیقی، ۱۳۸۷، ۲۶۷) علاوه بر این موعود مورد نظر ادیان مختلف، هر چند در باور به اصل وجود موعود در آخرالزمان، نگاه مشترکی وجود دارد؛ اما در حضور یا عدم حضور او در زمان کنونی، تفاوت دیدگاه وجود دارد. موعود مسیحیان مانند مهدی شیعیان تولد یافته و غایب است و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. موعود یهودیان مانند

مهدی مورد نظر اهل سنت است که بناست متولد شود و در سایر ادیان و مذاهب نیز این دو فرض دیده می‌شود. (همان، ۲۶۸) با وجود چنین اختلاف نظرهایی در فروع، اندیشه‌ی موعودگرایی را می‌توان از جمله محورهای همگرایی میان ادیان و مذاهب دینی در عصر کنونی و در مقابل جریان اومانستی جهانی‌سازی لحاظ نمود. به عبارتی، این اندیشه به مثابه حقیقت مشترکی در میان همه ادیان اعم از توحیدی و غیر توحیدی است که به دلیل داشتن مفاهیم مشترک، مانند امید، عدالت‌گرایی، ظلم‌ستیزی، عدم رضایت از وضع موجود، آرامش و نجات، از قابلیت ایجاد تعاملی اثرمند و مناسب در میان جوامع مختلف برخوردار است. (گودرزی، ملک محمدی، ۱۳۹۶، ۱۱۹). به همین دلیل این اندیشه، ظرفیت و قابلیت جهانی‌شدن را داراست. در ذیل به نمونه‌هایی از طرح اندیشه‌ی موعود در اسلام، یهود و مسیحیت اشاره می‌گردد:

۱-۲. اندیشه موعود در اسلام

اسلام آخرین دین و بر پایه توحید بنا شده است. اندیشه موعود که در بحث مهدویت تجلی یافته بیش از هر دین دیگری از ظرفیت معرفتی و رفتاری بالایی در عرصه جهانی شدن برخوردار است. علاوه بر این‌که در قرآن کریم به ظهور منجی موعود اشاره دارد و بسیاری از مفسرین به تبیین این آیات پرداخته‌اند، روایات بسیاری در کتب روایی مسلمانان بخصوص شیعیان که از اعتقادات اصلی و مسلم این مذهب است، موجود است. در ذیل به نمونه‌ای از آیات و روایات اشاره می‌گردد:

۱-۱-۲. اندیشه موعود در برخی آیات قرآن

- وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

(قصص: ۵)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْفِقَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ... (نور: ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.

- جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء: ۸۱)

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.



- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.

۲-۱-۲. اندیشه موعود در روایات

در رابطه با موضوع مهدویت، کتاب‌های روایی بسیاری در جامعه‌ی شیعی و سنی تألیف شده است. برخی از مهمترین کتب حدیثی شیعیان در این رابطه عبارتند از: کافی از شیخ کلینی (نخستین کتاب جامع حدیثی و مهم‌ترین منبع روایی شیعه است)؛ الغیبه النعمانی از محمد بن ابراهیم، معروف به ابوزینب نعمانی؛ کمال الدین و تمام النعمه تألیف شیخ صدوق؛ الغیبه، اثر شیخ طوسی.

در میان منابع اهل تسنن می‌توان به کتاب‌های: المصنف صنعانی، الفتن از نعیم بن حماد، مسند از احمد بن حنبل، البیان فی اخبار صاحب الزمان از گنجی شافعی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان از متقی هندی و المصنف از ابن ابی شیبیه و صحیح البخاری و صحیح مسلم اشاره کرد. (مجاهد، سپهریان، ۱۳۹۹)

در ادامه به عنوان نمونه به برخی از روایات مرتبط با موضوع مهدویت اشاره می‌گردد:

- فِي الْحَدِيثِ الْمُتَوَاتِرِ الْمَشْهُورِ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنِّي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا... (طوسی، الغیبه، ج ۱، ۴۶)

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند تبارک و تعالی آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از نسل من را برانگیزاند، او زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است.

- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع): إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى (لا) يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ۳۳۶)

امام صادق (ع): زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند عز و جل گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما را چنان توانا می‌کند که میان آنان و قائم پیکی نباشد. از همان جایی که هست با شیعیان سخن می‌گوید و آن‌ها سخنانش را می‌شنوند و او را می‌بینند.

- أَنَا الَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا؛ (طوسی، الغیبه، جلد ۱، ۲۵۳)

منم که زمین را از عدالت لبریز می‌کنم، چنان که از ستم آکنده است.

۲-۲. اندیشه موعود در کتب مقدس

در تورات که پایه‌ی اصول اساسی و اعتقادات یهودیان می‌باشد، بعد از بیان مقدماتی در مورد ظهور منجی موعود، شهر آرمانی آباد و عدالت محور را بیان می‌نماید: «همه‌ی شهرهای ویران شده از نو ساخته خواهد شد و در تمامی جهان هیچ ویرانه‌ای نخواهد بود، حتی در سدوم و عمورا و خواهرانت (یعنی سدوم و دخترانش) به حالت نخستین خود خواهند برگشت» (عهد عتیق، کتاب اشعیاء، ۵۵، ۱۶)

انجیل یوحنا نیز اینطور خبر از منجی موعود می‌دهد: «و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل، داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله‌ی آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچکس آن را نمی‌داند و جامه‌ی خون آلود سرخ در بر دارد و نام او را کلمه‌ی خدا می‌خوانند و لشکرهایی که در آسمانند بر اسب‌های سفید، و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن، امت‌ها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده، می‌گوید: بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا، فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران را.» (مکاشفه یوحنا، ۱۹، بندهای ۱۸، ۱۱).

کتاب زبور داوود: در زبور حضرت داوود علیه السلام نویدهایی درباره‌ی ظهور موعود به بیان‌های گوناگون داده شده است و می‌توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

خداوند روزی‌های صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود، لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها، فانی، بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. صدیقان، وارث زمین شده، تا ابد در آن ساکن خواهند شد. (عهد عتیق، کتاب مزامیر، زمور ۳۷، بندهای ۳۸، ۹).



۳-۲. مؤلفه‌های محوری موعودباوری

با عنایت به مطالب فوق و اشاراتی که از منابع اصلی سه دین ابراهیمی درباره‌ی ظهور موعود مطرح شد، می‌توان مؤلفه‌های مشترک میان این ادیان را در محورهای ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. قطعیت ظهور منجی در بستر امدادهای الهی؛

۲. تحقق عدالت و رفاه؛

۳. برقراری صلح و امنیت؛

۴. توجه به امید و انتظار ظهور منجی؛

۵. نجات محرومان و مستضعفان.

با توجه به محورهای فوق، رویکرد اندیشه‌ی موعودباوری، رویکردی جامع در همه‌ی ابعاد نیازهای مادی و معنوی بشر است که مکاتب مختلف بشری در برآورده نمودن این نیازها به شکل همگون و جامع ناتوان بوده‌اند. بر این اساس، اندیشه‌ی موعودباوری با برجسته نمودن عناصر مشترک ادیان الهی، از ظرفیت بسیار بالایی برای تقریب و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان مختلف برخوردار است. (کتاب مقدس، قرآن، درویشی متولی، ۱۳۸۸، ۷۳؛ گودرزی، ملک محمدی، ۱۳۹۶، ۱۲۳).

۳. تمدن‌سازی و مؤلفه‌های آن

واژه‌ی تمدن، توسط دانشمندان علوم اجتماعی در قرن نوزدهم به کار برده شده و ترجمه‌ی واژه‌ی لاتین (civil) است که در زبان فارسی به معنای مدنی، شهرنشین شدن و خوی شهری گزیدن است. چرا که در زندگی شهری و اجتماعی، افراد یک جامعه، در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با یکدیگر همکاری دارند. (کاشفی، ۱۳۸۴، ۳۳). این کلمه در فارسی از واژه‌ی عربی مدینه گرفته شده و به معنای شیوه‌ی زندگی در جامعه‌ی شهری نیز در نظر گرفته شده است. (سیدی، ۱۳۸۸، ۷) تمدن در لغت به معنای آراسته شدن به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، اقامت کردن در شهر، انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، و مجازاً تربیت و ادب می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۰، ۹۴۲) در فرهنگ لغت معین گفته شده است: تمدن یعنی همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۱۳۹) در میان اصطلاحات علوم اجتماعی، واژه‌ی تمدن به معنای اهل شهر دیده شده است و در جامعه‌شناسی نیز تمدن،

با شهرنشینی همراه است. (رضا جودی زاده، رضا جودی زاده، ۱۳۹۴، ۱۶۷) اصلی‌ترین معنای آن شهرنشینی شدن و اقامت در شهر است. برخی نیز تمدن را اجتماع انسانی که در به دست آوردن غذا، لباس و مسکن با هم تعاون و مشارکت دارند، معنا کرده‌اند. برخی دیگر، تمدن را محصول تلاش جمعی بشر برای طی کردن مراحل تکاملی اجتماعی و رسیدن به مرحله‌ی عالی آن دانسته که با همراهی خرد و دانش می‌توان به آن رسید. تمدن یک نظام اجتماعی است که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌برداری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند. نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده‌ی آن می‌باشد و نظامی اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد بود. (آرمون پور، ۱۳۹۲) لازم به ذکر است که این واژه، به معنای امروزی از قرن ۱۸ میلادی بر پایه‌ی اندیشه‌ی اومانیستی غربی شکل گرفته است و عالمان علوم اجتماعی تعاریف مختلفی برای آن مطرح نموده‌اند. (ولایتی، ۱۳۸۲، ۲۵-۲۷) برخی آن را با فرهنگ، مترادف و یا شکلی پیشرفته‌تر از آن دانسته و برخی آن دو را تفکیک نموده‌اند. به عنوان نمونه؛ استاد علامه جعفری از اندیشمندان معاصر اسلامی، تمدن و فرهنگ را هم معنا ندانسته و با رویکردی ارزش‌مدار، تمدن را تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه‌ی افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد مثبت دانسته است. (جعفری، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۶۱) اما فرهنگ در نگاه وی، روش‌هایی است که انسان‌ها برای کیفیت زندگی خود برمی‌گزینند و با گذشت زمان و کمک عوامل طبیعی است که پدیده‌های روانی و رویدادهای اثرگذار، در حیات یک جامعه ایجاد می‌گردد. (همان، ج ۱۶، ۲۳۳-۲۳۲).

هر تمدن با وجود اصول مشترک، وجوه خاصی دارد که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. این تمایز می‌تواند گاهی با قلمرو جغرافیایی، قومی، ملی یا دینی باشد. تمدن اسلامی نیز مانند دیگر تمدن‌ها، دارای وجوه و مؤلفه‌هایی است. که با توجه به موضوع بحث، به تعدادی از این موارد که نقطه‌ی پیوند تفکر موعودباوری با آن و از طرفی شرط ماندگاری تمدن است، اشاره می‌شود:

۱-۳. اخلاق

اخلاق امری فرادینی است که از لحاظ سرشت مشترک انسان‌ها، مورد پذیرش و احترام همگانی است. لذا از مطالبات جدی و اصلی همه‌ی انسان‌های آزاده جهان است. اخلاق



از شاخص‌های مهم تمدن اسلامی است که پیوند دهنده‌ی اجتماع انسانی و به عنوان عاملی بازدارنده از خطا و نیز موجب رعایت حقوق دیگران است (جان احمدی، ۱۳۹۱، ۲۹) و قرآن کریم در تعدادی از آیات به آن اشاره و تأکید کرده است. در روایات اسلامی نیز اخلاق، بازناب گسترده‌ای دارد که برآمده از اهمیت عمیق صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست و نقش مهمی در تمدن‌سازی دارد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۱، ۴۵)

۲-۳. عدالت

یکی دیگر از ارکان مهم تمدن، عدالت است که اصلی تأثیرگذار بر پیشرفت یک جامعه و مانع ظلم و انحطاط تمدن‌ها است. (ملعباسی، ۱۳۹۵، ۱۶۴) عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم، یک نیاز فطری به شمار می‌آید و یکی از خواسته‌های همیشگی بشر بوده که برای آن بسیار تلاش نموده است. علامه جعفری عدالت را نیروی اصلی پایدار کننده‌ی تمدن‌ها به شمار می‌آورد؛ لذا از مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی دادگری است (جعفری، ۱۳۷۲، ۵۰-۴۹) که در شماری از آیات قرآن با دو تعبیر قسط و عدل به اهمیت آن پرداخته است. آیات قرآن، هدف همه‌ی پیامبران الهی را اجرای دادگری در میان مردم می‌داند. علاوه بر آن در آموزه‌های اسلامی، اجرای عدالت چنان جایگاه بلندی دارد که دشمنان نیز نباید مانع آن گردند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مائده: ۸)

۳-۳. عقلانیت و خردورزی

عقلانیت و تفکر، از ویژگی‌های ذاتی بشر است که خداوند در آیه‌های متعدد، انسان را به تفکر دعوت نموده است. عقلانیت و خردورزی، رکن اساسی تمدن اسلامی است که در صورت فقدان آن، هیچ تمدنی شکوفا نخواهد شد. بر اساس روایات اسلامی، یک ساعت اندیشیدن برتر از عبادت چندین ساله است. (عیاشی، بی تا، ج ۲، ۲۰۸) خداوند متعال در آیاتی چند از قرآن کریم، انسان را به خرد ورزی دعوت نموده (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۵، ۲۵۵) و صاحبان چنین عقلی را ستوده است. چنان که فرمود:

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَمَنْ شَرَّ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ». (زمر: ۱۸)

و نیز فرموده: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ». (آل عمران: ۱۹۱)

در آیه‌ی اول، ایشان را به اجتناب از پرستش طاغوت، و برگشت بسوی خدا و شنیدن هر

سخن، و عمل کردن به بهترین آن، ستوده و می‌فرماید: اینان هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آن‌ها صاحبان عقل هستند.

در آیه‌ی دوم فرمود: در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز برای صاحبان خرد نشانه‌هایی است، همان کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو یاد می‌کنند، و این یاد کردن در هر حال و لوازم آن که همان تذلل و خشوع باشد، همان انابه‌ای است که موجب تذکر آنان به آیات خدا و انتقال‌شان به معارف حقه است، هم چنان که در آیه‌ای دیگر فرمود: «وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ»^۱ (غافر: ۱۳) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۴۵).

۴-۳. علم و علم‌آموزی

علم و علم‌آموزی یکی از خواسته‌های مهم بشری است که مورد تأکید و عنایت ادیان مختلف قرار گرفته است. از آن‌جا که مبنای هر حرکت و تحول ماندگار در جامعه‌ی بشری، شناخت و معرفت صحیح نسبت به پدیده‌ها است، لذا می‌توان علم و علم‌آموزی را، از پایه‌های اصلی تمدن دانست. پایه‌ریزی تمدن‌سازی دینی، علوم و معارف قرآنی است. همان طور که رسالت پیامبر ﷺ با خواندن آغاز شد (قلم: ۱). اهمیت علم تا آنجاست که در حدود ۸۰ مرتبه در قرآن آمده است. قرآن در آیه ۹ سوره زمر، برتری عالمان بر غیر عالمان را به وضوح بیان کرده است. در آیه ۱۱۴ سوره طها با حضرت محمد ﷺ امر کرده است که از درگاه الهی افزایش علم و خود را طلب کند. همچنین سفارش‌های مؤکد پیامبر ﷺ درباره‌ی دانش‌افزایی مسلمانان، گسترده است. روایات متعددی نیز در این باره نقل شده است. (زمانی محجوب، ۱۴)

۴. اصول مشترک موعودباوری و تمدن اسلامی

موعودباوری، به عنوان یک باور مهم در بین ادیان، می‌تواند بشریت را به سمت اهداف الهی سوق دهد. با نگاهی به باورهای مشترک ادیان در منجی‌گرایی و تطبیق آن‌ها بر اصول، یک تمدن آن‌گونه به دست می‌آید که با ویژگی جهان‌شمولی، بتواند بر احیای تمدن الهی، تأثیر بی‌بدیلی داشته باشد. لازمه‌ی این امر، وجود اصولی مشترک میان موعودباوری و تمدن است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱-۴. اصل اخلاق‌مداری

اخلاق یکی از مهم‌ترین آموزه‌های ادیان مختلف است. اهمیت این ویژگی تا جایی

۱ متذکر نمی‌شود مگر کسی که انابه داشته باشد.



است که پیامبر اکرم ﷺ به عنوان خاتم پیامبران الهی، هدف از بعثت خود را رشد مکارم اخلاقی انسان‌ها دانسته‌اند. از طرفی، حکمت الهی ایجاب می‌کند که انسان‌ها با عمل به دستورات الهی در مسیر تحقق این هدف متعالی قرار گیرند. به نظر می‌رسد اندیشه‌ی موعود، ظرف تحقق این هدف محسوب گردد؛ چرا که منجی در اندیشه‌ی ادیان مختلف، خود انسانی است دارای بالاترین کمالات اخلاقی و انسانی. وقتی چنین انسانی رهبری جامعه‌ی بشری را به عهده گیرد، بدیهی است که جامعه را به سوی اخلاق متعالی هدایت می‌نماید. این اندیشه در نگاه مسلمانان به ظهور مهدی موعود ﷺ به شکل پررنگ‌تری وجود دارد. از آن‌جا که ادیان مختلف، بخصوص دین مبین اسلام، بر رشد فضایل اخلاقی در حوزه‌ی فردی و اجتماعی تأکید دارند، لذا فضایل اخلاقی، دارای نقشی محوری در تمدن‌سازی دینی است. در اجتماعی که افراد آن فاقد خصلت‌های نیکو هستند، حتی اگر از همه‌ی ابعاد و سطوح علمی، آگاهی داشته باشند، چنین جامعه‌ای به تعالی و انسانیت نخواهد رسید. ضرورت اخلاق برای یک جامعه‌ی متمدن، مانند ارتباط آب برای هر رویدنی است که بدون پایبندی به اخلاق، انسان‌ها در خوشی‌های بی‌اساس غوطه‌ور می‌شوند. (نجفی، فقهی، درساوی، ۱۳۹۶، ۱۸)

۲-۴. اصل عدالت‌ورزی

عدالت، یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهدویت است، که به جامعه‌ی بشری وعده داده شده است. در جامعه‌ی متمدن مهدوی، دادگستری و عدالت، نمود بیشتری نسبت به دیگر ویژگی‌های تمدنی دارد. زیرا برقراری عدالت، زمینه‌ساز اجرای احکام الهی در میان مردم، عمل به احکام قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ است. احادیثی مانند: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَادِي الْمَهْدِيِّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُضَلِّي خَلْفَهُ، وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يُبْلَغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ» (اربلی، کشف‌الغمه، ج ۲، ۵۰۷). مهدی زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان طور که لبریز از بیداد و ستم شده است. سوگند به کسی که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن فرزندم مهدی ﷺ قیام کند. پس روح الله عیسی بن مریم ﷺ فرود می‌آید و پشت او نماز می‌گزارد و نور پروردگار را به زمین می‌تاباند و قدرتش به مشرق و مغرب می‌رسد. منظور از عدالت، عدالتی همه جانبه در تمامی سطوح فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

و اقتصادی است. (نجفی، فقیهی، دریسای، ۱۳۹۶، ۲۲). در فرهنگ مسیحی، اعتقاد (غلبه‌ی حق بر باطل در واپسین دوره‌ها) به وضوح و روشنی وجود دارد. اعتقاد بر این است که در آخر الزمان، منجی و تسلی‌دهنده‌ای می‌آید و همه در حکومت منجی حاضر و دادگاهی می‌شوند و صالحان و نیکوکاران به زندگی ابدی می‌رسند. در مزامیر داوود - که به گفته‌ی برخی از محققان، همان زبور ذکر شده در قرآن است - می‌خوانیم: «نزد خدا ساکت شو و منتظر او باش...! و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی نعمت و سلامتی متلذذ». (مزامیر ۳۷، بند ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸)

۳-۴. اصل فقرزدایی

در دوره‌ای که تمدن نوین اسلامی شکل می‌گیرد، تولید و رشد اقتصادی به نحوی سامان می‌یابد که همه‌ی نیازهای مردم رفع و شکاف‌های طبقاتی و فقر مرتفع می‌شود. بر اساس آموزه‌های دینی، فقر و نیاز، سبب هرچه باشد- خواه بی‌عدالتی یا چیز دیگر- یکی از موجبات گناه می‌باشد؛ که اگر با احساس مغبونیت و محرومیت ضمیمه شود، نابهنجاری‌های اجتماعی بسیاری به همراه دارد. به عبارتی می‌توان میان رشد سرقته‌ها، رشوه‌گیری‌ها، اختلاس و خیانت‌ها به اموال عمومی، با رشد فقر و ضعف اقتصادی در جوامع، نسبتی معنادار برقرار نمود. (مطهری، بیست گفتار، ص ۸۳-۸۲) در منابع مختلف دینی در مذمت فقر و تأثیر منفی آن بر دینداری و سعادت مردم جامعه، سخنان بسیاری مطرح شده است. به عنوان نمونه، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» فقر نزدیک به سرحد کفر است. (کلینی، ج ۳، ص ۴۱۷) یا امام علی علیه السلام در حکمت ۳۱۹ نهج‌البلاغه، سخن از ترس از فقر و تأثیر مخرب آن بر ایمان انسان به میان آوردند و آن را عامل سرگردانی و پریشانی عقل و ایجاد دشمنی دانسته‌اند.

از طرفی پیامبر اکرم ﷺ در ترسیم جامعه‌ی مهدوی می‌فرمایند: تمامی افراد امت در این جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، به چنان رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمان دست نیافته‌اند. آسمان، باران رحمت را بر آنان بیارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۴۶۷) به تعبیر امام علی علیه السلام در آن زمان امکانات برای استخراج آنچه در اعماق زمین است فراهم می‌شود و از منابع زمینی به خوبی بهره برداری می‌شود.^۱ (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۳۸) بر اساس برخی روایات، به‌گونه‌ای زمین برکاتش

۱. «و تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَيْدِهَا، وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا...»



را خارج می‌سازد که هر حقی به صاحبش می‌رسد تا جایی که موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی وجود نخواهد داشت.^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۲۵۵) بنابراین تدبیر اقتصادی و حل مسئله‌ی فقر در عصر موعود، تا آن‌جا است که فردی نیازمند باقی نمی‌ماند و شاخص رشد اقتصادی در بالاترین سطح قرار می‌گیرد.

۴-۴. اصل حاکمیت عقل‌گرایی

در انسان‌شناسی مبتنی بر آیات و روایات اسلامی، عقل انسان، محدود به عقل ابزاری یا عقل معاش نیست. بلکه سطح بالاتر و برتر، آن عقلی است که دارای کمالات نظری و عملی است. همین عقل است که انسان را به پیروی از وحی به عنوان مهمترین و کامل‌ترین منبع معرفتی سوق می‌دهد. این نگاه متفاوت از عقل در ادبیات دینی، آثار و تبعات بسیار زیادی در ساخت تمدن اسلامی دارد و آن را کاملاً از تمدن کنونی غرب که مبتنی بر نگاه اومانستی است جدا می‌کند. (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶) بر این اساس، رشد عقلی از مؤلفه‌های جامعه‌ی متمدن و رشد نسبی عقلی مردم، از ویژگی‌های جامعه‌ی مهدوی است. (ملکی، امیدی پور، ۱۳۹۲، ۴۱) تعقل در روایات اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در روایتی از امام باقر علیه السلام، به عنوان محبوبترین مخلوق خداوند مطرح شده است که بر اساس عیار فهم و ادراک آن، شایسته‌ی پاداش و سعادت و یا عقوبت می‌شود: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ: ادبر فادبر ثم قال له: اقبل فاقبل فقال: و عزّتی و جلالی ما خلقت خلقا احسن منك، إياك آمر و إياك انهي و إياك اثيب و إياك اعاقب» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ۱۱۷).

در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام، عقل دوست و خلیل انسان مؤمن دانسته شده است: «الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (تحف العقول: ۲۰۳) این یعنی در زندگی انسان دین‌مدار و مؤمن، عنصر عقل امری محوری و اثرگذار است. و در صورت بکارگیری آن در مسیر بندگی و عمل به دستورات الهی، زمینه‌ی سعادت را برای انسان فراهم می‌کند؛ چنان که در بیان امام صادق علیه السلام به این حقیقت اشاره شده است: «الْعَقْلُ مَا عِيدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ». (الکافی، ثقه الإسلام کلینی، ج ۱، ص ۱۱) در نگاه اسلامی عقل این چنین است. عقل باید بتواند انسان‌ها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح بالاتر، آن عاملی است که انسان را به مقام قُرب الهی و به مقام توحید می‌رساند؛ در یک سطح پایین‌تر نیز، عقل این

۱. امام صادق علیه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْزُ وَ اَمْتَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ اُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ...»

قدرت را دارد که زندگی انسان را به سوی سبک زندگی اسلامی هدایت کند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند. با توجه به چنین کارکردهای عقل در صورتی که تحت تربیت دین و دستورات الهی قرار گیرد، هم عاملی برای تشخیص صحیح است و هم عاملی جهت رشد و پویایی زندگی. بر این اساس، تمدن اسلامی بدون عقل حاصل نمی‌شود. پرورش صحیح عقلانیت که هماهنگ با گرایش‌های فطری بتواند توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی افراد جامعه را افزایش دهد، می‌تواند در ساخت تمدن نوین اسلامی نیز شریک باشد. (نجفی، فقیهی، درپساوی، ۱۳۹۶، ۱۵)

۵-۴. اصل آرمان‌گرایی

انسان به صورت کلی در طول زندگی خویش، همیشه در انتظار است و به شرایط فعلی خود بسنده نمی‌کند و در پی یافتن مطلوب خود است؛ زیرا هیچ‌گاه آنچه در برابر او قرار داشته مطلوب غایی و نهایی او نبوده است. از این رو، انسان با حس کمال‌خواهی، همیشه در انتظار مطلوب برتر و کامل است. این میل و اشتیاق فردی در حیات جمعی آدمی نیز آثار خود را نشان داده، چنان که برای نمونه؛ اندیشه‌های آرمان‌شهر مدینه‌ی فاضله و مانند آن، گویای طرح اجتماعی مطلوبی در اندیشه است که در حال حاضر محقق نشده و در آینده و با فراهم شدن شرایط خاص محقق می‌گردد. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹، ۱۷)

امید به آینده، یکی از نیازهای انسان امروزی است. چرا که در پرتو امید به آینده، حرکت و پویایی به وجود می‌آید و انسان را به پیشرفت و تعالی سوق می‌دهد؛ بنابراین، امید، یکی از عوامل مؤثر در تحرک تاریخ بشر است. (جعفری، ۱۳۹۵، ج ۲۷، ۲۸۵) انتظار و آینده‌ی بهتر و ظهور دولت حق در طول تاریخ، مترقی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است که با ماهیت آدمی زندگی سرشته شده است. اعتقاد به منجی و موعود، از اصلی‌ترین ابعاد روحی انسان نشأت می‌گیرد. با این وجود، این مهم مختص طیف خاصی از افراد نیست، بلکه جهان شمول است. این اعتقاد به آرمان نهایی، باعث ایجاد شور و اشتیاق زیادی برای رسیدن به مقصود و موجب تلاش و کوشش جدی برای دستیابی به خواسته‌ها می‌گردد. لذا سبب تقویت کمال و شکوفایی اراده و عزم انسان می‌گردد و توانایی و قدرت ویژه‌ای به جامعه می‌بخشد تا بتواند به آرزوها و خواسته‌های خویش برسد. در حقیقت انتظار طلوع منجی، امیدآفرین است و بر اندیشه و رفتار انسان تأثیر عمیقی دارد تا جایی که او را در جهت زندگی سعادت‌مند و حقیقی سوق می‌دهد. (واسعی، عرفان، ۱۳۹۳)



۵. نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث پیش‌گفته؛ تمدن به معنای جامع و حقیقی آن، از اهداف غایی ادیان الهی محسوب می‌گردد. هرچند برخی ادیان از گوهره‌ی ناب خویش فاصله گرفته و دچار تحریف‌هایی در متون دینی خویش گردیدند، اما هنوز روح توحید و معنویت و شعائری همچون؛ ظلم ستیزی و عدالت طلبی، در میان دین باوران راستین، دارای حیات اجتماعی است. با توجه به ظرفیت بسیار بالای آموزه‌های موعودباوری در دین مبین اسلام به عنوان دین خاتم، چنین شعائری دارای جامعیت و عمق بیشتری است. در این مقاله با اشاره به آیات ۵ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۸۱ سوره اسراء، ۱۰۵ سوره انبیاء و بیان روایاتی از معصومین علیهم‌السلام و دیگر متون مقدس می‌توان دریافت، که جامعه‌ی بشری، دورانی را پیش رو دارد و تجربه خواهد کرد که در آن، بشریت به آمال و آرزوهای حقیقی خویش در ابعاد مادی و معنوی دست می‌یابد. اندیشه‌ی مهدویت و تلاش برای تحقق مؤلفه‌های محوری آن، از این مزیت و ظرفیت مهم برخوردار است که جوامع بشری را در جهت غایت نهایی ادیان الهی که همانا رسیدن انسان‌ها به تمدن اصیل الهی است قرار دهد. لازمه‌ی این پیوند اصیل میان اندیشه‌ی موعود و تمدن‌سازی اسلامی، وجود اصولی مشترک با دو رویکرد نظری و عملی همچون: اخلاق‌مداری، عدالت‌ورزی، حاکمیت عقل، فقرزدایی و آرمان‌گرایی است که در بسیاری از آیات و روایات معصومین بر آن تاکید شده است. لذا می‌توان موعودباوری را به مثابه قدرت نرم‌افزاری شکل‌گیری تمدن اسلامی و تمدن اسلامی را نمود ظاهری و اجتماعی موعودباوری دانست.

با توجه به این تحلیل اجمالی، می‌توان نتایج این پژوهش را در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. عدالت خواهی در رأس تمام خواسته‌های بشر، از عنصرهای تمدنی می‌باشد که در تمام متون ادیان از جمله قرآن کریم به آن اشاره شده است.
۲. مسئله‌ی آسیب‌های اخلاقی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، از جمله موانع تحقق اهداف بعثت دین مبین اسلام و همه‌ی ادیان الهی است که با محوریت قرار دادن اندیشه‌ی موعود و در سایه‌ی تحقق این وعده الهی، تمدن نوین الهی شکل می‌گیرد.
۳. اقتصاد به عنوان محور اصلی نیازهای دنیوی بشریت، امروزه از بی‌ثباتی و عدم جامعیت رنج می‌برد. در سایه‌ی موعودباوری، که مرکز ثقل همه‌ی ارزش‌های الهی است،

- بسیاری از معضلات اقتصادی حل و زمینه‌ی تحقق تمدن اسلامی فراهم می‌گردد.
۴. بی‌هویتی و بی‌معنایی زندگی، از موانع شکل‌گیری تمدن اسلامی و از مسائل و معضلات اجتماعی است که با اندیشه‌ی موعود مرتفع می‌شود.
۵. دور شدن رفتارهای انسانی از مسیر عقلانیت، بشر امروز را در اکثر ابعاد اجتماعی، از حدّ اعتدال خارج نموده و مسیر تحقق تمدن اسلامی را با مانعی جدی روبرو گردانیده است. با توجه به اندیشه‌ی موعود، هدایت فکری و علمی انسان‌ها در مسیر صحیح الهی خود قرار می‌گیرد و بسیاری از معضلات که حاصل ضعف علمی و تکبر اومانیستی است، برطرف می‌گردد.

کتابنامه

قرآن مجید

- آرمون پور، علی (۱۳۹۲)، *بررسی و تبیین مولفه‌های تمدن اسلامی در قرآن*، احسانی، کیوان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک.
- اربل، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز: بنی هاشمی.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۷)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
- جعفری، محمد تقی (۱۳۵۹)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۲)، *عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاه دارنده تمدن‌ها هستند*، نشریه جام، شماره ۲۷.
- درویشی متولی، حسین (۱۳۸۸)، *موعودگرایی و جهانی شدن*، مجله مشرق موعود، شماره ۱۱، ۶۶-۸۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.
- رضا زاده جودی، محمد کاظم؛ رضا زاده جودی، مهدی، ۱۳۹۴، *الگوی تمدنی اسلام در سیره نبوی با تکیه بر آیات قرآن کریم*، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۲، ۱۶۴-۱۸۸.
- رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه*، ترجمه صبحی صالح، قم: هجرت.
- سیدی، حسین (۱۳۸۸)، *تمدن اسلامی*، سوم، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- شیخ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸)، *الفصول المهمه فی اصول الأئمه* (تکمله وسائل)، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۴)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، *الغیبه*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة
- عرب، مهین (۱۳۹۳)، *منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام*، الهیات تطبیقی، شماره یازدهم، ۱۴۹-۱۶۸.
- علی بن حسین، ابن بابویه (۱۴۰۴)، *الامامه و التبصره من الحیره*، قم: مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- عیاشی (بی تا)، *تفسیر العیاشی*، ج ۲، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸)، *ترجمه قرآن فولادوند*، هیئت علمی دارالقرآن، تهران: دفتر مطالعات اسلامی.
- کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۴)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، دوم، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۹)، *هزارگی در سنت مسیحی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ترجمه مصطفوی، ۸ ج، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گودرزی، غلامرضا؛ ملک محمدی، حسن (۱۳۹۶)، *راهبردهای ترویج تفکر موعود گرایی*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، شماره ۳، ۱۱۹-۱۳۶.
- مجاهد، فاطمه؛ سپهریان، طاهره (۱۳۹۹)، *مهدویت در منابع اهل سنت*، موعود پژوهی، شماره چهارم، ۴۹-۶۰.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *بیست گفتار*، قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران: نشر زرین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- ملاعباسی، محمد (۱۳۹۵)، *راه ناهموار تمدن: هفت مقاله درباره تمدن*، تهران: ترجمان علوم انسانی.
- ملکی راد، محمود (۱۳۹۸)، *مدیریت دانش در حوزه مطالعات مهدوی*، فصلنامه علمی- تخصصی

مدیریت دانش اسلامی، شماره ۱، ۷۵-۱۱۲.

ملکی، سعید؛ امیدی پور، مرتضی (۱۳۹۲)، «**فرهنگ مهدویت و جهانی شدن**»، شماره ۷۸، ۳۸-۵۱.

نجفی، حسن؛ فقیهی، علی نقی؛ دریساوی، سمیه (۱۳۹۶)، «**تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی**»، فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام. مطالعات اجتماعی، شماره سوم، ۶-۲۸. واسعی، سید علیرضا؛ عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳)، «**باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای**

فرهنگ و تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، شماره ۲۹، ۱-۱۶.

وحیدی‌منش، حمزه علی (۱۳۸۶)، «**عناصر تمدن‌ساز دین اسلام**»، مجله معرفت، شماره ۱۲۳

ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «**پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**»، ج۱، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهش.